



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونه السنه تاریخ: ۲۹ دی ۱۳۹۴

موضوع جزئی: مقام سوم: بحث در موارد استثناء - المال الموصی به - صدقه مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۷

جلسه: ۵۱

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

از مواردی که مورد اختلاف واقع شده از حیث تعلق خمس، سه مورد دیگر باقی مانده که این سه مورد را باید مورد بررسی قرار دهیم.

### مورد ششم: المال الموصی به

مورد ششم، مال موصی به است مثلاً اگر کسی وصیت کند مالی را به دیگری بدهند، از حیث اینکه خمس به آن تعلق می‌گیرد یا نه مورد اختلاف واقع شده است؛ مقدمتاً لازم است اشاره کنیم که مال موصی به بر دو قسم است:

گاهی کسی وصیت می‌کند که بعد از فوتش چیزی را به کسی بدهند؛

گاهی به این شکل است که وصیت می‌کند مثلاً ثلث مال من بعد از فوتم برای فلانی باشد.

این دو باهم فرق می‌کند؛ از اولی تعبیر می‌کنند به وصیت عهدی و از دومی تعبیر می‌کنند به وصیت تملیکی؛ پس وصیت عهدی یعنی این که وصی را متعهد می‌کند و از او عهد و پیمان می‌گیرد که باید به فلان شخص این مال را بدهی و به همین جهت به آن وصیت عهدی می‌گویند. اما گاهی خودش وصیت می‌کند و در وصیت تملیک می‌کند؛ نه اینکه به وصی سفارش کند که مثلاً فلان مبلغ را به فلانی بدهید بلکه خودش در وصیتش مینویسد که مثلاً ثلث مال من تملیک می‌شود به فلان شخص. قهراً بعد از فوت او این مال به ملکیت او در می‌آید.

در مورد مالی که به آن وصیت شده، ظاهر کلام امام (ره) این است که متعلق خمس نیست. این از ضابطه‌ای که ایشان در متن فرمودند قابل استفاده است چون تصریح کردند به عدم تعلق خمس در غیر ارباب مکاسب لذا از نظر امام این مورد متعلق خمس نیست.

اما مرحوم سید در عروه فتوا به وجوب خمس در مال موصی به داده است؛ ایشان در کنار هبه و هدیه به وجوب خمس در این موارد فتوا داده‌اند.

### بررسی نظر امام و سید (ره)

ظاهراً حق با مرحوم سید است یعنی ما اینجا به امام (ره) اشکال داریم. وجه اشکال هم با توجه به مطالبی که قبلاً گفتیم معلوم می‌شود. اشکال هم یک اشکال مبنایی است؛ امام (ره) موضوع خمس را در مانحن فیه خصوص فواید کسبی می‌داند یعنی فوایدی که از راه کسب و تجارت و صنعت و امثال اینها حاصل می‌شود لذا هر فائده‌ای که خارج از مسمای کسب باشد، به نظر ایشان متعلق خمس نیست مثل هدیه و هبه و ارث و و از جمله مال موصی به. ما اصل این مبنا را مورد اشکال قرار دادیم و گفتیم به نظر ما خمس به هر چیزی که عنوان فائده بر آن منطبق شود تعلق می‌گیرد.

اما مرحوم سید که فتوا به وجوب خمس داده‌اند، وجه آن روشن است چون این وصیت اگر وصیت عهدی باشد، مثل هبه است چون یک مالی به کسی داده می‌شود و او هم این مال را می‌گیرد. تنها تفاوتش با هدیه و هبه این است که هدیه در زمان حیات شخص داده می‌شود، ولی مال موصی به در وصیت عهدی بعد از فوت داده می‌شود و اعطاء در زمان حیات یا فوت تأثیری در این جهت ندارد. به همان ملاکی که در هدیه خمس واجب است، در مال موصی به هم واجب است. بنابراین فتوا به وجوب خمس در مال موصی به صحیح است و حتی جایی برای احتیاط وجوبی هم نیست.

اما در وصیت تملکی دو مینا وجود دارد:

بعضی معتقدند در وصیت تملیکی قبول از ناحیه موصی له معتبر است یعنی کسی که می‌خواهد این مال را بگیرد و برای او وصیت شده باید قبول کند؛

بعضی معتقدند در این وصیت قبول معتبر نیست. مثل بقیه مواردی که به طور قهری نصیب شخص می‌شود و نیاز به قبول ندارد مثل ارث.

اگر گفتیم قبول معتبر است، در این صورت می‌شود مثل هبه و هدیه چون هدیه و هبه از فوایدی است که باقبول به ملکیت شخص در می‌آیند. بنابراین هر چه در باب هدیه و هبه گفتیم اینجا هم جاری است یعنی فتوا به وجوب خمس در مالی که به وصیت تملیکی حاصل شده می‌دهیم.

اگر هم گفتیم قبول در آن معتبر نیست و از قبیل ارث است، قهراً همان بحثی که در باب ارث داشتیم در اینجا هم جریان پیدا می‌کند؛ ما خمس را در ارث واجب دانستیم چون عنوان فائده را بر آن منطبق می‌دانیم لذا گفتیم ادله وجوب خمس شاملش می‌شود. بنابراین خمس در مالی که به وصیت تملیکی حاصل شده، واجب می‌شود لکن در این قسم قهراً اگر بخواهیم نظر سید را منطبق کنیم، آنوقت با مشکل مواجه می‌شویم چون مرحوم سید در باب ارث قائل به عدم وجوب خمس شده‌اند. و فرموده‌اند و الاحوط استحباباً این است که خمس به ارث محتسب تعلق می‌گیرد.

پس هر چند مرحوم سید به نحو مطلق در مورد مال موصی به فتوا به وجوب خمس دادند اما باید معلوم شود که این مال موصی به با چه قسم وصیتی نصیب موصی له شده است، آنوقت بر اساس آن ما می‌توانیم نسبت به نظر مرحوم سید در بعضی از اقسامش اشکال کنیم.

#### **مورد هفتم: صدقه**

مورد هفتم صدقه است؛ امام (ره) باز بر اساس مبنای مورد نظرشان ظاهراً معتقد به عدم وجوب خمس در صدقه هستند. مرحوم سید هم در مسئله پنجاه و یک عروه در ضمن بحث از «ما مَلِكٌ بِالْخَمْسِ او الزکوة» به صدقه هم اشاره کرده و فرموده‌اند مالی که به عنوان صدقه به کسی داده می‌شود متعلق خمس نیست. اینجا مرحوم سید نظرشان با نظر امام (ره) یکسان است. حال باید دید آیا صدقه متعلق خمس هست یا نیست؟

صدقه از هر جهت مثل هدیه و هبه است. تنها تفاوت صدقه با هدیه و هبه از حیث قصد قربت است یعنی اگر کسی به قصد قربت مالی را به دیگری بدهد، این می‌شود صدقه. هر چند خود هبه هم به عنوان یک عمل مستحبی اگر کسی قصد قربت

در آن کند ثواب می‌برد. هدیه دادن و هبه از اموری است که در روایات تشویق و ترغیب به آن شده مخصوصاً به بعضی افراد. اما صدقه قوامش به قصد قربت است. پس تفاوت صدقه و هبه و هدیه فقط از این جهت است. بر این اساس به همان دلیل که خمس تعلق به هبه و هدیه می‌گیرد، به صدقه هم متعلق می‌شود؛ چون ملاک در تعلق خمس به چیزی، تحقق عنوان فایده است. لذا اگر کسی چیزی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد آیا صدق نمی‌کند که فایده‌ای نصیب آن شخص شده است؟ صرف اینکه ما در صدقه نیازمند قصد قربت هستیم، این مانع تحقق عنوان فائده نمی‌شود؛ عرف به چیزی که به دست او رسیده به عنوان فایده نگاه می‌کند، در این جهت هم اینکه معطی قصد قربت کرده یا نکرده، مدخلیت ندارد. عرف هم هدیه را فایده می‌داند و هم صدقه را چون آن هم هدیه ایست که به قصد قربت داده می‌شود. لذا وقتی عنوان فائده صدق می‌کند، مقتضی برای شمول ادله وجود دارد و مانعی هم وجود ندارد بنابراین ادله وجود خمس در مطلق فائده شامل صدقه هم می‌شود.

#### **بررسی نظر امام (ره) و سید**

بر این اساس وجهی برای عدم تعلق خمس به صدقه نیست. اینکه امام (ره) فرموده صدقه خمس ندارد، طبق مبنای خود ایشان علی القاعده است هر چند ما به آن مبنا هم اشکال کردیم چون امام (ره) معتقد است در فوائدی که از راه کسب بدست نیامده باشد خمس ثابت نیست. این طبق مبنای امام کاملاً روشن است هر چند ما مبنا را قبول نداریم اما طبق مبنای مرحوم سید واقعاً وجهی برای فتوا به عدم خمس نیست. مرحوم سید دائره موضوع خمس را مانند امام ضیق نمی‌داند؛ به نظر ایشان خمس در مطلق فوائد اختیاری که هبه و هدیه هم از موارد فائده اختیاری هستند، ثابت است. بر این اساس به چه دلیل ایشان در مورد صدقه فتوا به عدم وجود خمس دادند؟ پس حق در این مقام وجود خمس است خلافاً للإمام (ره) و للسید (ره).

بعد از اینکه اصل تعلق خمس به صدقه ثابت شد باید بگوییم فرقی بین صدقه مندوبه و صدقه واجبه نمی‌کند. اگر تعلق خمس به صدقه را پذیرفتیم، دیگر فرقی نمی‌کند آن صدقه، صدقه مستحبی باشد یا واجب. اگر به کسی صدقه داده شد و این صدقه، صدقه مستحبی بود، گیرنده آن چنانچه از این مال اعطایی به عنوان صدقه بعد از سال مقداری بماند، باید خمس آن را بدهد. اگر صدقه واجبه هم باشد همین طور است. مثل کفاره که یک صدقه واجب است. اگر کسی مثلاً به عنوان کفاره پولی را به شخصی دهد هر چند جزء مستحقین باشد؛ اگر از این صدقه واجبه بعد از سال چیزی اضافه بماند متعلق خمس است. لذا اگر ما تعلق خمس به صدقه را پذیرفتیم، فرقی بین صدقه واجبه و مندوبه نمی‌کند.

#### **پاسخ به یک اشکال**

ممکن است بگویید علت اینکه در صدقه گفته‌اند خمس نیست این است که صدقه نوعاً به فقرا داده می‌شود و آنها مصرف می‌کنند و حتی ممکن است از خرج روزانه شان هم اضافه نیاید لذا، خمس در آن ثابت نیست. ولی این اصلاً از موضوع بحث ما خارج است. فرض ما این است که مثلاً یک مال کلانی به یک فقیری داده شده و این فقیر از این مال استفاده کرده و سر سال که شده یک چیزی زائد آمده. بحث در اینجا است که آیا ما از نظر ادله می‌توانیم بگوییم این ادله شامل چیزی که زائد بر مؤونه سنه است می‌شود؟! شما نمی‌توانید بگویید از همان زمانی که این پول را به فقیر دادند عنوان فائده بر آن صادق نبوده. اگر یک فقیر نیازمندی به اندازه حتی یک روزش کسی چیزی به او بدهد آیا این فائده صدق نمی‌کند؟ صدق

عنوان فائده منوط به خرج کردن و اضافه آمدن نیست. موضوع خمس فائده‌ای است که تحصیل می‌شود و مصرف می‌شود و چنانچه زائد آمد، آن زیادی فائده متعلق خمس است. در بعضی روایات در مورد فائده آمده: «ما افاد الناس من قليل او كثير». لذا در صدق عنوان فائده زیاد آمدن از مؤونه سنه نقشی ندارد. بلکه فائده از اول به چیزی صدق می‌کند که نصیب شخص شود، لکن اگر از آن پس از خرج سال اضافه آمد باید خمس آن را بدهد.

**بحث جلسه آینده:** هشتمین مورد در مورد «ما ملک بالخمس او الزکاة» است که باید بحث کنیم که آیا اگر به کسی خمس داده شود و مصرف کند ولی در آخر سال از این مال زیاد بیاید آیا باید خمس بدهد یا ندهد؟ یا کسی که زکات می‌گیرد و مصرف و می‌کند و آخر سال زیاد می‌آید آیا باید خمس دهد یا نه که در جلسه آینده بررسی خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمين»